



سال پنجم - شماره ۱ پانزدهم - تابستان ۱۳۹۴

صص ۱۵۴-۱۲۳

سنخ‌شناسی انطباق اجتماعی مهاجران روستایی با زندگی شهری (مطالعه‌ی موردی منطقه ۱۶ تهران)

امیر مسعود امیر مظاهری^۱

چکیده

از آنجا که زندگی شهری تفاوتی بنیادین با زندگی در اجتماعات روستایی و عشایری دارد، تجلی این تفاوت را در بسیاری از کنش‌های انسانی همچون تعاون، ستیز، رقابت، رفتارهای انحرافی، سازگاری و انطباق اجتماعی می‌توان مشاهده کرد. هر نظام اجتماعی، الگوهای ارزشی، هنجاری، کنشی و ارتباطی خاص خود را تولید می‌کند و انطباق اجتماعی بین کنشگران از این طریق انجام می‌شود و همین مسأله انطباق اجتماعی مهاجران و تازه واردان به زندگی شهری را به مراتب دشوارتر و پیچیده‌تر کرده و گونه‌های مختلف انطباق اجتماعی (همنوایی، همسازی، فرهنگ‌پذیری ذهنی و عینی) را در زندگی شهری پدید می‌آورد. در این پژوهش با استفاده از روش‌های پیمایش، اسنادی و میدانی درصدد بررسی وضعیت انطباق اجتماعی مهاجران با زندگی شهری برآمده‌ایم. پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده‌ی منظم، تحلیل اسنادی و فیش‌برداری از جمله ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در این بررسی بوده است. یافته‌های نهایی پژوهش نشان داد هر چه مهاجران وابستگی، دلبستگی و پیوندهای اجتماعی عمیق‌تری با محیط مبدأ داشته باشند، همنوایی، هم‌رنگی، همسازی، فرهنگ‌پذیری ذهنی و عینی کمتری با تجلیات و مقتضیات زندگی شهری خواهند داشت.

واژگان کلیدی: انطباق اجتماعی، سازگاری، مهاجرت، زندگی شهری، سنخ‌شناسی.

Ami.Amir_Mazaheri@iauctb.ac.ir

۱- استادیار علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۰

تاریخ وصول: ۹۳/۱۱/۱۴

مقدمه

بعد از انقلاب صنعتی شیوهی جدیدی از زندگی به نام شهرنشینی در میان جوامع گسترش یافت که فرهنگ خاص خود را به همراه داشت. این پدیدهی اجتماعی از سازمان‌یافتگی خاصی برخوردار است که در انطباق با فضای کنونی مؤلفه‌های جدیدی را پدید آورد. این مؤلفه‌ها همراه با فرهنگ مدرنیته، فضای متمایزی را نسبت به جامعهی روستایی و اجتماعات عشایری فراهم کرده است.

شهر به عنوان یک پدیدهی اجتماعی و زیستگاه فرهنگی، سبک خاصی از ساخت اجتماعی زندگی انسان را به خود اختصاص داده؛ در این شیوه زندگی می‌توان ساختار مادی و غیرمادی فرهنگ را کسب کرد و آن را به دیگر افراد جامعه که زندگی خود را در جهت توسعهی فضای شهری سوق داده‌اند به صورت الگوی زندگی انتقال داد. در این فضای زیستی نهادهای شهری به دنبال الگوی رفتاری خاص متناسب با روحیات و ساختار اجتماعی فضای شهری، به صورت تعامل متقابل و کنش فرهنگی همراه با مشارکت اجتماعی شهروندان، فرایندهای جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن را آموزش می‌دهند. این گونه یادگیری اجتماعی نوعی انطباق یافتن شهروندان با ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعهی شهری است و به عبارتی ما با گونه‌های مختلف انطباق اجتماعی مواجه می‌شویم که در این جستار بدان می‌پردازیم.

بیان مسأله

میزان انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر با زندگی شهری در شهر تهران از نظر عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی تأثیر عمیقی بر نظم اجتماعی و توسعهی اجتماعی - اقتصادی دارد.

اگر انطباق اجتماعی را با اغماض به معنای پذیرش یا عدم پذیرش باور داشت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و مقتضیات یا شرایط جدیدی که برای یک عضو از جامعه پیش می‌آید تعریف کنیم، در این صورت ما با انواع انطباق مواجه خواهیم شد. در واقع انطباق به عنوان یک پیوستار تمایلی^۱ می‌تواند از صفر تا صد درجه شدت داشته باشد و طبیعتاً

1- continuum tendency

ما نه یک انطباق، بلکه گونه‌های مختلف انطباق (همچون هم‌نوایی و هم‌رنگی، هم‌سازی و مشارکت، فرهنگ‌پذیری) خواهیم داشت که هر یک بخش مختصری از مضمون فوق را در بر می‌گیرد؛ برای مثال تبعیت از نوع پوشش و آرایش ظاهری شهرنشینان تنها یک انطباق سطحی و صوری است؛ در حالی که پذیرش ارزش‌ها و عقاید مذهبی شهروندان یک انطباق عمیق‌تر و پایدارتر است.

اما مفهوم انطباق بدون عامل کنشگر، مفهومی بی‌معناست؛ چرا که انطباق در یک ظرف مکانی و زمانی و در یک محدوده‌ی جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی معنا پیدا می‌کند. چنانچه ظرف مکانی ما، شهر یا یک منطقه‌ی فقیرنشین یا حاشیه‌ی شهر و کنشگر نیز یک شهروند مستقر در این مناطق باشد. در این صورت می‌توانیم چندین نوع شهروند را از یکدیگر تفکیک کنیم. شهروند انطباق یافته، شهروند انطباق نیافته، شهروند انطباق دهنده یا انطباق‌گر، شهروند انطباق‌پذیر یا منفعل که هر یک در قالب تعریفی خاص و از طریق معرف‌های خاصی قابل تمیز از یکدیگرند.

از دیدگاهی دیگر، انطباق یک مفهوم دو ساحتی است. در یک سوی انطباق، خرده فرهنگ‌ها، افکار، ارزش‌ها، ایدئولوژی و شیوه‌های سنتی و ثبات یافته قرار گرفته و در سوی دیگر این مفهوم، خرده فرهنگ‌ها، افکار، عقاید، ارزش‌ها و شیوه‌های مدرن و هنوز پذیرفته نشده، قرار گرفته است.

بسیارند عناصر خرده فرهنگ‌ها که در روند نقل و انتقالات، موجودیت و اصالت خود را از دست می‌دهند و در درون ساخت جدید ذوب یا استحاله می‌شوند؛ استحاله‌های فکری، ارزشی، عقیدتی و مانند آن که گونه‌ای از انطباق در عمق بیشتر هستند، (در صورتی به وجود می‌آید که دو طرف انطباق در اینجا الزاماً فرد نیست و چه بسا گروه‌های اجتماعی کوچک و بزرگ (مانند احزاب سیاسی به عنوان یک گروه اجتماعی بزرگ) و یا دو سازمان با بافت رسمی نیز مطمح نظر قرار گیرد).

جامعه‌ی ایران به دلیل قرار گرفتن در شرایط گذار و تغییرات بیرونی تعادل نظام اجتماعی‌اش بر هم خورده است و بالطبع نمی‌توان انتظار انطباق اجتماعی کامل

(همنوایی) در کلیه سطوح و لایه‌های اجتماعی داشت و به نوعی مشاهده می‌کنیم که در بالاترین سطوح لایه‌ها و طبقات اجتماعی گونه‌ای تساهل و تسامح (مدارا) در شبکه‌ی روابط اجتماعی وجود دارد و بر اساس درون دادی^۱ که در اختیار کنشگران و اجزای نظام اجتماعی قرار می‌گیرد، اجزای نظام اجتماعی توقع و انتظار برون‌داد^۲ دارند.

شاهد مثال این مسأله، وجود بسیاری از مشاغلی همچون کوپن فروشی، دوره‌گردی، بساط پهن‌کنی و معاملات غیررسمی است که از گذشته در جامعه‌ی ایران کارکرد داشته، اما قانون‌گذار نتوانسته راه‌های کنترل و بسامان کردن آنها را پیدا کند به همین دلیل ضابطان قانون ضمن آنکه با این مشاغل به عنوان فعالیت غیر قانونی برخورد کرده‌اند، به دلیل کثرت و کارکرد آنها در جامعه ناگزیر بوده‌اند نسبت به آنها تغافل داشته باشند و با دیده‌ی اغماض به این فعالیت‌ها بنگرند (معیدفر، ۱۳۸۳: ص ۹۱).

در این بررسی تأکید بر میزان انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر با زندگی شهری در کلان‌شهر تهران بزرگ است و

مفاهیم دیگر همچون انومی، سازگاری اجتماعی، وفاق و انسجام اجتماعی، یکپارچگی و هم‌نوایی اجتماعی به تنهایی برای

بررسی این موضوع کفایت نمی‌کند، هرچند که انطباق اجتماعی با همه‌ی این مفاهیم سر و کار دارد.

متغیرهای مستقل تحقیق در سطح خرد شامل متغیرهای فردی همچون، سن، جنس، تأهل، سواد، اشتغال، قومیت، مدت و محل اقامت، زبان و دین است و در سطح کلان متغیرهای اجتماعی همچون همبستگی و انسجام اجتماعی، تعلق خاطر اجتماعی، قانون‌گرایی و قانون‌گریزی، اعتماد و عدم اعتماد به تدابیر نهادی، تلقی‌شان از الگوی زیست و معیشت ایده‌آل، میزان رضایت اجتماعی و احساس محرومیت نسبی، سطح نیازها و توقعات اجتماعی برآورده شده و نشده و بالاخره میزان پابندی به نظام ارزشی سنتی، مسأله‌ی تناقض ارزش‌های نوین در میزان انطباق اجتماعی مؤثر به نظر می‌رسد.

1- input
2- output

مباحث نظری

دیدگاه‌های ساختی - کارکردی انطباق اجتماعی

انطباق اجتماعی به عنوان یکی از بخش‌های اساسی کارکرد هر نظام اجتماعی است و در صورتی یک جامعه متعادل است و می‌تواند بقای خود را حفظ نماید که با بهره‌گیری از مکانیسم‌های انطباق اجتماعی، آماده‌ی پذیرش دستاوردهای نوین تمدنی باشد و به تعادل برسد. دیدگاه مذکور را می‌توان برای تحلیل چگونگی انطباق در سطح نظام اجتماعی (کلان) و انطباق در سطح کنشگر (خرد) بر اساس مدل تحلیلی گزارش در بخش ویژگی‌های جمعیتی، فرهنگی و اقتصادی مورد استفاده قرار داد.

مفاهیمی که در بینش سیستمی وجود دارد، مانند نظام اجتماعی، سازگاری، تعادل پویا، وحدت، کلیت، محیط نظام جوامع باز و بسته و غیره به نوعی در این جامعه‌شناسی نیز مطرح می‌شوند. دل‌بستگی به مفهوم نظام نزد کارکردگرایان آنها را مجبور ساخت در تفسیر و توجیه پدیده‌های اجتماعی از مفهوم «ساخت» مدد بجویند و آن را به عنوان بخش نسبتاً یک نظام اجتماعی در نظر بگیرند (ادیبی، ۱۳۵۸، ص ۲۱۸). البته واژه‌های ساخت و نظام هر دو انتزاعی می‌باشند (توسلی، ۱۳۶۹، ص ۲۱۸)؛ به عبارت دیگر الگوهای هستند برای توصیف پدیده‌های اجتماعی. در واقع باید اذعان کرد که آنها حاصل انتزاع یافته‌ی دو نگرش به یک پدیده‌ی واحدند؛ بنابراین برای توضیح بیشتر می‌توان گفت هر نظام اجتماعی دارای ساخت است، (جانسون، ۱۳۶۳: ص ۵۷) که هر یک از ساخت‌ها دارای کارکرد مشخصی در نظام اجتماعی است.

تقسیم کار آنومیک و انطباق اجتماعی

از دیدگاه امیل دورکیم اساسی‌ترین علت آسیب‌های اجتماعی^۱ و شرایط نابسامان^۲ جوامع مدرن مربوط است به نابسامانی تقسیم کار در این جوامع، به زعم وی شرایط آنومیک و شرایط آسیب دیده دو مفهوم کاملاً مترادفند (ریتزر، ۱۹۸۸: ۷۶).

1- Social Pathology

2- Anomic

هرگاه تقسیم کار نتواند پیوندهای میان افراد را تقویت کند، عدم کنترل اخلاقی یا نابهنجاری یا آنومی حادث می‌شود، یعنی شرایطی حاصل می‌گردد که در آن تعهدات متقابل نادیده گرفته می‌شوند و در پی آن کشمکشی روی می‌دهد که از هیچ قانون و قاعده‌ای پیروی نمی‌کند.

تفاوت اصلی بین مارکس و دورکیم این است که مارکس ظاهراً معتقد بود که هر نوع تقسیم کار چنین پیامدهایی دارد، در حالی که دورکیم «تحقیر و تنزل مقام انسانی» کارگر را فقط مربوط به تقسیم کار آنومیک می‌داند؛ نظامی که خود تنزل یافته و خصوصیت اخلاقی خود را از دست داده است. راه حل این معضل از بین بردن تقسیم کار نیست، چرا که تقسیم کار به نظر دورکیم برای جامعه‌ی جدید ضروری است. در عوض، هر فرد باید نقش خود در تقسیم کار را به بهترین صورت ممکن انجام دهد و تعهدهای خود به دیگران و جامعه را به یاد بسپارد (گرب، ۱۳۷۳:ص ۱۰۷).

تقسیم کار اجباری و انطباق اجتماعی

به نظر دورکیم، از بین بردن آنومی به وسیله‌ی قواعد اخلاقی برای جوامع نابسامان ضروری است. با وجود این، قواعد به تنهایی نمی‌تواند تمام موارد نابهنجاری را که همبستگی اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد، از میان بردارد. همان طور که دورکیم متذکر شد «وجود صرف قوانین کافی نیست»، زیرا «گاه خود قوانین علتی برای ضرر و زیانند». این نکته به بحث بیشتر دورکیم درباره‌ی مکان عدم تطابق قوانین و قواعد رسمی و اخلاقی صحیح مربوط است. گاه ممکن است قوانینی وجود داشته باشد که مناسب زمانه نیست و فقط به این دلیل حفظ شده است که به نفع افراد خاصی است که قادرند آن قوانین را به وسیله‌ی زور و فریب یا با توسل به سنت پابرجا نگاه دارند (گرب، ۱۳۷۳:ص ۱۰۷).

اعمال چنین قواعد نامناسب و ناعادلانه‌ای منجر به دومین نوع تقسیم کار نابهنجاری می‌شود که دورکیم آن را شکل اجباری تقسیم کار می‌نامد. در جامعه‌ی جدید بنیان اصلی اخلاقیات و همبستگی اجتماعی، رشد و شکوفایی فردگرایی است «یعنی شکوفایی آزادانه‌ی نیروی اجتماعی که درون هر فرد وجود دارد». در تقسیم کار بهنجاری، خود

واقعی فرد که شامل «توانایی‌های» ویژه و «استعدادهای ذاتی» وی است، مجال رشد کردن می‌یابد. در چنین نظامی، افراد به جایگاه مناسب خود در جامعه دست می‌یابند و بدین وسیله به مطالبات خود می‌رسند و در عین حال توانایی خود را برای رفع حوایج جامعه به حداکثر می‌رسانند ولی در تقسیم کار اجباری، افراد قدرتمند بر حسب منافع شخصی و خودخواهی عمل می‌کنند و با قواعدی که به اجرا می‌گذارند، پایگاه برتر خود را حفظ می‌کنند و دیگران را وادار به اجرای نقش‌هایی می‌سازند که با در نظر گرفتن توانایی‌ها و علایق آنها، مناسب و عادلانه نیست.

انطباق اجتماعی و نقش دولت

دورکیم نیز همچون وبر دولت را به مثابه‌ی «اندام اصلی» جامعه‌ی جدید می‌پنداشت، ارگانی که گسترش می‌یابد و تجزیه و تفکیک می‌شود و وظایف بسیار زیاد و «کارکردهای متعددی» را متقبل می‌شود. کارکردهایی همچون برقراری «عدالت» و «آموزش تربیت جوانان» و مدیریت تربیت گوناگون همچون «بهداشت عمومی» و «حمل و نقل و ارتباطات» و «امور نظامی» (گرب ۱۳۷۳: ص ۱۰۹).

ساختار و کنش در اجتماعات سنتی و نوین در قالب همبستگی مکانیکی و ارگانیکی توسط دورکیم بیان می‌شود. در جامعه‌هایی که همبستگی مکانیکی مسلط است، ساختار اجتماعی از شبکه‌ی گروه‌های خویشاوندی تشکیل می‌شود. جامعه‌ی پیچیده‌تر، مدرن‌تر و متشکل از گروه‌های فردی است که از طریق تقسیم کار شکل می‌گیرد و دولت بر آنها نظارت می‌کند (یان کرایب، ۱۳۷۳: ص ۱۵۵).

به عقیده‌ی دورکیم، اینکه دولت نمی‌تواند حافظ اخلاقی قلمرو اقتصادی باشد، مسئله‌ای جدی است که امید به دستیابی به تقسیم کار بهنجار را به مخاطره می‌اندازد، زیرا می‌توان بی‌عدالتی و کشمکش‌های اجتماعی را تقلیل داد، هنگامی که ساختار اقتصادی از قید و بندهای اخلاقی مبرا است. چگونه ممکن است هنگامی که میدان اصلی وقوع این مبارزه‌ها به نظم در نیامده باشد؟ بتوان نابرابری اجباری و تضاد طبقاتی را از میان برد.

انطباق اجتماعی نابهنجار در نظریه‌ی دورکیم

با توجه به تحلیل سیستمی دورکیم، جامعه در سیر طبیعی و سالم خود بعد از نظام تقسیم کار به هنجاری می‌رسد. ممکن است وضعیتی پیش آید که جامعه نتواند آن چرخه را طی نماید و در بند مسائل و مشکلات اجتماعی باقی بماند (تنهایی، ۱۳۷۱: ص ۱۴۰).

دورکیم در تفکیک امر بهنجار و مرضی می‌گوید اساساً چیزی طبیعی یا بهنجار است که به مقدار زیاد موجود باشد و به همین دلیل امر بهنجار می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر فرق کند و به عبارتی پیامد یک عمل می‌تواند در جامعه‌ای جرم باشد ولی در جامعه‌ای دیگر اینگونه نباشد (کرایب، ۱۳۷۳: ص ۷۱). به زعم دورکیم آنومی به شرایط اجتماعی اطلاق می‌شود که نفوذ نظارت‌کننده‌ی جامعه بر گرایش‌های فردی کارآیی‌اش را از دست می‌دهد و افراد جامعه به حال خودشان رها می‌شوند (کوزر، ۱۳۶۸: ص ۲-۱۹۱). یا معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در حوزه‌ی معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۳: ص ۱۴۰) و یا در جامعه هنجارهایی برای راهنمایی افراد وجود ندارد و یا هنجارهای قبلی دچار از هم پاشیدگی می‌شوند (آرون، ۱۳۶۴: ص ۳۷۵)؛ در چنین شرایطی تعهدات نادیده گرفته می‌شوند و افراد از هیچ قاعده و قانونی تبعیت نمی‌کنند.

در شرایط آنومیک، اهداف و ارزش‌های معمولی و مشترک دیگر مورد قبول افراد جامعه قرار نمی‌گیرد. ضمن آنکه ارزش‌ها و اهداف جدیدی نیز جایگزین آن نمی‌شود. آسیب‌شناسی به زعم دورکیم عمدتاً دو حالت دارد: گاه ممکن است سیستم و نظام اجتماعی دچار اختلال شود و گاه افراد و گروه‌های کوچک داخل نظام اجتماعی تضاد منافع پیدا کنند.

کارکردگراها معتقدند که انسان، طبیعت شروری دارد، بنابراین در نظام دورکیمی اگر نتوان فرد را در اجبار اجتماعی قرار داد و با اجتماع همراه کرد، وی منافع فردی خود را بر منافع جمعی تفوق می‌دهد، پس جامعه با آسیب و انحراف روبرو می‌شود و این آسیب‌ها و انحرافات با گرایش‌های «فردگرایانه»^۱ و یا گرایش‌های «خودگرایانه»^۲ نمود

1-Individualistic
2-Egoistic

پیدا می‌کند (تنهایی، ۱۳۷۱: ص ۱۴۱).

توافق و انطباق اجتماعی در نظریه‌ی مورتون

در اندیشه‌ی جامعه‌شناسان کارکردگرا دو نکته‌ی عمده وجود داشت: یکی راههایی که برای رسیدن به اهداف برگزیده می‌شود و مورد توافق عموم است و دیگری نیازهای جمعی که در تلاش دستیابی به اهداف مشترک است. آنچه که در این دو نکته مشخص می‌شود مفهوم «توافق اجتماعی» است که در اندیشه‌ی مورتون نیز ارزش خاصی دارد. ما در جامعه با گروه‌های کثیری مواجه می‌شویم که در انتخاب راهها برای رسیدن به اهداف توافق دارند. این گروه از افراد که با قراردادهای فرهنگی موافقت می‌کنند و یا به تطابق می‌رسند، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند و بنا به اعتقاد مورتون معیار، اکثریت جامعه است؛ بنابراین ملاک، آن چیزی است که در عمل اتفاق می‌افتد و برای زندگی اغلب مردم فایده‌بخش است و چون اکثریت مردم توافق کرده‌اند و این توافق در واقع قانون زندگی آنان است و در جامعه عمل می‌شود، پس «درست»^۱ و «سالم»^۲ است. چرا که عمل می‌کند و کارکرد دارد و آن چیزی درست است، که کارکرد داشته باشد (تنهایی، ۱۳۷۱: ص ۱۶۸ - ۱۶۷).

به عبارت بهتر، کارکرد مثبت باید «پایداری و ثبات» را برای جامعه تشدید کند. تا اینجا مورتون، نظر پارسونز را تأیید می‌کند، اما در ادامه می‌گوید: گرچه ملاک اکثریت جامعه است، اما اکثریت همهی آحاد مردم را در بر نمی‌گیرد؛ عده‌ای از مردم هستند که داخل این گروه کثیر نیستند و به نحوی از اکثریت جدا افتاده‌اند. به نظر وی جامعه‌شناس وظیفه دارد که این گروه‌ها را نیز مدنظر قرار دهد. مطالعات وی در این زمینه، یکی از بزرگترین الگوهای جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در مکتب کارکردگرایی انسجامی محسوب می‌شود.

پیش شرط‌های انطباق اجتماعی از نظر پارسونز

از نظر پارسونز یگانگی و نهادی شدن از جمله ضرورت‌های کارکردی کنش و انطباق

1-Rational

2-just

اجتماعی است. نهادی شدن الگوهای هنجاری در زمینه‌ی کنش متقابل میان کنشگران دارای منزلتی است که از طریق نظم هنجاری و تبعیت از الگوهای فرهنگی انجام می‌شود. انطباق اجتماعی از این منظر فرایندی است که به وسیله‌ی آن ساخت اجتماعی ایجاد و تداوم می‌یابد.

مجموعه نهادینه شده‌ی تنش‌ها، یک نظام اجتماعی تشکیل می‌دهد. یگانگی هم در داخل و هم در میان دو نظام اجتماعی و الگوهای فرهنگی ضروری است. آنچه در نهایت از نظر نظام پارسونز برداشت می‌شود، این است که «نظام فرهنگی» میانجی کنش متقابل کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند (کرایب، ۱۳۷۳:ص ۱۳۸). از طرف دیگر در نظام شخصیتی «تمایلات نیازی» (کنش‌هایی که به وسیله‌ی زمینه‌ی اجتماعی شکل می‌گیرند) کنشگر را وادار می‌کند تا بر اساس سه گونه تمایلات نیازی رفتار کند:

- نخستین گونه، کنشگر را وادار می‌کند تا در روابط اجتماعی به دنبال عشق، تأیید و نظایر آن برود.
- دومین گونه، ارزش‌های ملکه‌ی ذهن شده‌ای را در بر می‌گیرد که کنشگران را به رعایت معیارهای گوناگون فرهنگی وا می‌دارد.
- سرانجام چشم‌داشت‌های نقشی، کنشگران را به داد و ستد پاسخ‌های مناسب هدایت می‌نماید.

بر این اساس تمایلات نیازی در گونه‌ی دوم، کنشگر را وادار به انطباق هرچه بیشتر می‌نماید و از طرفی یکی از کارکردهایی که یک نظام برای زنده ماندن باید انجام دهد، کارکرد تطبیق است. هر نظامی باید با موقعیتی که در آن قرار گرفته، تطبیق پیدا کند (کرایب، ۱۳۷۳:ص ۱۳۱).

در واقع از این کارکرد می‌توان چنین تعبیر کرد، جوامعی که در حالت تعادل هستند و یا یکی از دو نوع جامعه‌ی (سنتی و نوین) می‌باشند که انطباق اجتماعی در آنها ساده‌تر است ولی جوامعی که در حال گذار هستند و هنوز به تعادل نرسیده‌اند، انطباق اجتماعی در آنها به مراتب دشوارتر و پیچیده‌تر است.

مراحل انطباق اجتماعی از نظر پارسونز

ارگانیکسی که در حال رشد و تکامل است زمانی می‌تواند به حیات ادامه دهد که در سیستم بین اجزاء تطابق ایجاد کند، آنگاه سیستم هم به طور دائم در تغییر و رشد بوده و نیز می‌تواند با وضع تغییر یافته‌ی جدید تطابق یابد. تطابق از دیدگاه پارسونز یک مقوله‌ی پویاست؛ از این رو، مفهوم تطابق در نظر پارسونز با مفهوم تکامل^۱ مترادف است؛ از دیدگاه وی هر نظام اجتماعی در هر مرحله از تکامل اجتماعی خود با پاره‌ای از مسائل جدید روبرو می‌شود که لازم است خود را با آنها تطبیق دهد و مشخصاً مربوط به چگونگی حفظ انسجام از طریق سازگاری سیستم اجتماعی با نظام فرهنگی یا برعکس و یا ایجاد دگرگونی در هر دوی آنهاست (همیلتون، ۱۹۸۳: ۹۱) زعم پارسونز تطبیق یک واحد زنده و پویا به معنای تکامل نظام اجتماعی؛ یعنی تطابق دادن جامعه با رشد حیات نظام طبیعت است چون نظام طبیعت در حال رشد و تغییر است، نظام اجتماعی هم باید در حال رشد و تغییر باشد؛ بنابراین، حرکت جوهری که در ذات طبیعت وجود دارد حرکتی است که در ذات اجتماع هم وجود دارد و این حرکت، دائماً به طرف پیشرفت و کمال است. پس چه حالت مرضی مربوط به اجزاء و عناصر مختلف سیستم باشد و چه مربوط به خود سیستم، مسأله ناشی از عدم تناسب ورودی و خروجی این سیستم است که بخشی از آن مرضی و بخشی از آن هم به روال گفته شده در بالا طبیعی است. همین نوسان - مرضی یا طبیعی - خرده سیستم فرهنگی را فعال می‌کند تا به درخواست و نیاز به تطابق پاسخ گوید و جریان رشد حیات را منظم نماید.

دیدگاه‌های کنش متقابل نمادی انطباق اجتماعی

مفهوم انطباق اجتماعی در نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی همچون کنش متقابل نمادی مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع این دیدگاه‌ها، اولاً حقیقت یا واقعیت «به گونه‌ای آماده در جریان واقعی وجود ندارد، بلکه به واسطه‌ی عملکرد ما در جهان به

1- evolution

گونه‌ای فعالانه ساخته و پرداخته می‌شوند» دوم آنکه آدم‌ها نظرشان درباره‌ی جهان را بر پایه‌ی چیزی استوار می‌کنند و بر همین پایه نیز دانششان را به یاد می‌آورند، هرگاه که این دانش کارآیی‌اش را از دست دهد احتمالاً دستخوش دگرگونی می‌شود، سوم آنکه مردم «شناخته‌های اجتماعی و فیزیکی را که در جهان با آن برخورد می‌کنند» بر حسب فایده‌ای که برای آن قائلند، تعریف می‌کنند (توسلی، ۱۳۶۹: ص ۳۰۰).

با این همه انطباق را از دیدگاه‌های مختلفی که اکثراً به طرز تلقی کنشگران از واقعیت مربوط است می‌توان از هم تفکیک کرد.

نظریه‌ی انطباق اجتماعی هربرت مید

عمده‌ترین انگاره‌هایی که از نظریه‌ی مید، می‌توان برای تبیین مسأله مورد بررسی از آن بهره جست، عبارتند از:

۱. از آنجا که عمل (کنش) اجتماعی از طریق یک روند تعریف و تفسیر صورت می‌گیرد، زندگی گروهی نیز باید بر حسب همین تغییرات مطالعه شود؛ به عبارت دیگر کنش‌های جمعی صرفاً یک سلسله پاسخ که توسط محرک‌ها ایجاد شده نیست، بلکه به میانجی‌گری تفسیری که اعضای شرکت کننده از وضعیت دارند، شکل یافته است.

۲. جامعه‌ی انسانی بر اساس عمل جاری هستی می‌یابد، نه بر اساس ساخت یا روابط تثبیت شده و شکل یافته.

۳. حقیقت کنش متقابل من یا خود که فرد را وادار به تعیین و ارزیابی موقعیت خود می‌کند من را به صورت یک کارگزار مؤثر در شکل‌گیری عمل اجتماعی در می‌آورد. مشارکت در عمل اجتماعی فقط به اعمال نیروهای خارجی فرد خلاصه نمی‌شود بلکه خود فرد باید فعالیتش را در درون یک چارچوب مشخص و محدود و تنظیم کند (توسلی، ۱۳۶۹: ص ۳۰۰).

۴. انسان در عین فعالیت می‌تواند تحت تأثیر خود واقع شود.

نظریه‌ی انطباق اجتماعی گافمن

محوربحث گافمن زمینه‌هایی است که در آنها تعاملات چهره به چهره رخ می‌دهند. وی

اظهار می‌کند که در یک زمینه‌ی اجتماعی افراد به طور مستمر و به طور عمده از طریق ابزارهای کلامی و غیر کلامی - ارتباطات، شیوه‌ی لباس پوشیدن، خانه و کالاهایی که در اطرافشان موجود است، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. هم زمان، افراد در حال عرضه‌ی ادراک خود به دیگرانند. دیگران نیز در پی اطلاعات از کسانی هستند که با آنان به تعامل مشغولند. اطلاعاتی در مورد پایگاه شخص، گرایش‌های کلی و خودپنداری شخص. این اطلاعات شاخص انتظارات دیگران از نحوه‌ی رفتار با افرادی است که با آنها تعامل می‌کنند (افروغ، ۱۳۷۷: ص ۷۴).

تأکید خاص گافمن بر زمینه‌های فضایی است که در آن تعاملات رخ می‌دهد. در واقع یکی از کانون‌های محوری وی این است که فعالیت انسان ناحیه‌بندی شده است. گافمن از تئاتر برای توصیف فضایی مورد نظر استفاده می‌کند. وی بین نواحی جلو (نمایش و تظاهر عمومی) و نواحی عقب (که برای دسترسی عمومی تعبیه نشده است) تمایز قایل می‌شود.

گافمن اظهار می‌دارد که هم‌تراز با اعمال و فعالیت‌های جلو و عقب، انواع خاصی از نواحی جلو و عقب وجود دارد که با این فعالیت‌ها سازگار است. ناحیه‌ی جلو جایی است که اجرا محقق می‌شود؛ جایی که قواعد رفتاری مقبول، صحیح و روابط رسمی برقرار می‌گردد. در اینجا مردم تا آنجا پیش می‌روند که مطمئن شوند کنش‌هایشان با استانداردهای مورد قبول اجتماع، سازگار است. برعکس، نواحی عقب، جایی است که مرزبندی‌های رسمی به طور موقت کنار گذاشته می‌شود و خود - اظهاری بدون ملاحظه و تبعیت از هنجارهای مسلط رفتار اجتماعی، اعمال می‌شود (افروغ، ۱۳۷۷: ص ۷۵ - ۷۴).

نیاز و انطباق اجتماعی مازلو

مازلو براساس نظام سلسله مراتبی نیاز خویش، به طبقه‌بندی سطوح نیاز افراد در جامعه‌ی انسانی پرداخته است، «در این نظم سلسله مراتبی هرچه ما از سطوح پایین نیازی به سطوح بالاتر می‌رویم بر پیچیدگی نظام اجتماعی افزوده می‌شود، ولی پیامدهای

فیزیولوژیکی آن کمتر است». نمایش این نظام نشان می‌دهد که در سطوح پایین نیازی (نیازهای اولیه)، نیازهای مربوط به گروه سریع‌تری از انسان‌ها می‌شود همان طور که در رأس هرم (صفت خودشکوفایی) جامعه‌ی انسانی محدودتر می‌شود (ریتزر، ۱۳۷۴: ص ۲۹۸).

مکتب شیکاگو و انطباق در جامعه‌ی شهری

مکتب شیکاگو از جمله دیدگاه‌های غالب در جامعه‌شناسی شهری است. صاحب‌نظران این مکتب بر این باور هستند که گسترش شهرنشینی، موقعیت‌های مکانی - فضایی کنش را برای کنشگران فراهم می‌کند. بر این اساس هر مکان، فضای ارتباطی، کنش خود را می‌طلبد. چنانچه کنشگران بدون توجه به مقتضیات محیطی و نظام ارزشی - هنجاری حاکم بر این فضاها کنش را انجام دهند، کنش‌های مذکور منطبق با مقتضیات و ملاحظات زندگی شهری نیست و از جمله مصادیق رفتارهای ضدشهری محسوب می‌شود. از میان صاحب‌نظران مکتب شیکاگو، نظریات پارک، لاکرمن و شوتز برای تبیین مسأله‌ی انطباق اجتماعی در زندگی شهری مناسبتر است که در اینجا بدان پرداخته می‌شود.

پارک و اکولوژی شهری

در نظریه‌ی اکولوژی شهری، شهر را به منزله آزمایشگاهی برای تحقیق و تفحص درباره‌ی رفتارهای انسانی در نظر می‌گیرد که می‌توان از نظریه‌ی بالا در زمینه‌ی انطباق اجتماعی با زندگی شهری بهره جست و به بررسی اثرگذار شهر بر کنشگران و ارتباط متقابل بین این دو پرداخت. پارک در این باره می‌نویسد:

«ساخت شهر با پیچیدگی و گستردگی شهود خود اولین چیزی است که ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما چنین ساختی خود بر طبیعت آدمی استوار است و ساخت شهری نمودی از این طبیعت به حساب می‌آید، از سوی دیگر سازمان وسیعی که شهر نام گرفته و در پی پاسخ به نیازهای ساکنان پا به عرضه‌ی وجود نهاد، خود پس از شکل‌گیری به نام عنصری خارجی بر ساکنان تحمیل می‌شود و بر اساس طرح و علایق خود به ساکنان شکل می‌دهد» (افروغ، ۱۳۷۷: ص ۹۷).

نظریه‌های بومی‌شناسی شهری

عده‌ای از محققان جغرافی‌دان به مسأله‌ی گودنشینی از دیدگاه بوم‌شناسی توجه کرده‌اند؛ دانشمندانی چون مارشال کلینارد، هومر، شنور، مکیتاش، ارنست بورگس، لوئیس ورث و آبرامز از این جمله‌اند. این محققان با توجه به بافت فیزیکی شهر، به توجیه مکانیسم پیدایش گودنشینی پرداخته‌اند که به برخی از اهم این نظریات پرداخته می‌شود:

کلینارد عوامل گودنشینی را به دو دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از:

۱. تغییر در نحوه‌ی استفاده از زمین؛

۲. کمبود مسکن و عدم تعمیر و نگهداری آن.

در مورد اول ارنست بورگس و لوئیس ورث که پیرامون شهرهای ایالات متحده مطالعه کرده‌اند، عقیده دارند: «در مراحل اولیه رشد مناطق محل سکونت طبقات بالا می‌باشد و با گسترش مناطق تجاری و صنعتی، کارخانه‌ها، انبارها و مراکز عمده‌ی فروش در همسایگی این محل رشد می‌نمایند و آنها که وضع بهتری دارند از مراکز شهر به سمت خارج حرکت نموده و دور از مراکز شهر مسکن می‌گزینند، کارگران کم درآمد که شامل گروه‌های فقیر تازه‌وارد و گروه‌های نژادی می‌باشند به این مناطق آمده، ساکن این نواحی می‌شوند، چون از مالکان، هزینه‌ی کمی برای تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها دریافت می‌دارند، شرایط فزون می‌یابد و به علت شلوغی زیاد، بی‌توجهی و تخریب توسط ساکنان، این مناطق به زاغه‌ها تبدیل می‌شوند» (زاهدانی، ۱۳۶۹: ص ۱۳). بورگس، شکل‌گیری شهرهای صنعتی و بافت آن را در قالب نقشه‌ی دوایر متحدالمرکز به نمایش می‌گذارد (گلندر، ۱۳۶۸: ص ۱۳۰). هرچند نقشه‌ی اکولوژی شهری هومر، بیشتر درباره‌ی نحوه‌ی استفاده از زمین است و نظریات قبلی را کامل‌تر می‌کند، بر اساس نظریه‌ی او:

«مناطق صنعتی در امتداد دره‌ی رودخانه‌ها، کانال‌های آب و خطوط آهن از مراکز به سمت خارج شهر گسترش می‌یابند و سکونت‌گاه کارگران نیز از این روند تبعیت می‌کند و حتی کارخانه‌هایی در لایه‌های خارجی شهر ایجاد می‌شوند. بنابراین، براساس نظریه‌ی قطاعی، بهترین نقاط مسکونی حلقه‌ی خارجی شهر قرار نگرفته و فقط قسمت‌هایی از شهر را می‌پوشاند» (زاهدانی، ۱۳۶۹: ص ۱۳).

جمع بندی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها

اجتماعات انسانی و انطباق اجتماعی انسان‌ها دو مقوله‌ی مترادف با مفهومی بسیار نزدیک هستند. هر فرد به عنوان یک عضو جامعه انواع کنش‌های فردی منطقی و بهنجار را از هنگام تولد تا لحظه‌ی مرگ از اطرافیان می‌آموزد، درونی می‌کند، و به شیوه‌های گوناگون بروز می‌دهد. اعضای هر جامعه‌ای نه تنها ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را از دیگران می‌آموزند و رفتارهای خود را با دیگران تطبیق می‌دهند، بلکه از نظر شخصیتی، تمایلات، نیازها و آرزوهای خود را نیز با این کنش‌ها همسو و هم‌نوا می‌کنند.

جریان مبادله‌ی سالم تولیدات محصولات و اطلاعات اجتماعی در صورتی میسر است که تنش‌ها و تناقضات فردی و گروهی مرزهای ملی یک جامعه را مخدوش نکند. به همین دلیل تطبیق یافتن اعضای یک جامعه با کلیت فرهنگی همان جامعه در گرو کنش متقابل تعریف شده، و وجود وسایل و اهداف اجتماعی مناسب و مشروع برای دستیابی به این اهداف و آمال و امکان حفظ انسجام و یکپارچگی است.

به نظر می‌رسد بهترین و مناسب‌ترین راه بهره‌گیری از انبوه نظریات و چارچوب بینشی جامعه‌شناسان توجه به این نکته‌ی کلیدی و اساسی است که میزان و نوع انطباق اجتماعی افراد (از نظر رفتار اجتماعی و عقاید اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و الگوهای زندگی) چگونه رخ می‌دهد؟

چارچوب نظری

انطباق اجتماعی¹ از جمله مفاهیمی است که در ادبیات جامعه‌شناسی به صورتهای گوناگون مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. انطباق در سطح کلان به عنوان یکی از گزینه‌های کنش اجتماعی و در سطح خرد به عنوان یک واحد کنش مورد تأکید بسیاری از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی همچون پارسونز قرار گرفته است. با توجه به اینکه انطباق اجتماعی روستاییان، عشایر و گروه‌های قومی با زندگی شهری،

1 social adaption

ارتباط تنگاتنگی با فرایند توسعه‌ی ناموزون کشور، طولانی شدن گذار از دوران سنتی به نوین و آنومی حاصل از آن و بالاخره نظام اقتصاد جهانی دارد، در این بررسی از تئوری‌های جامعه‌شناسی، بیشترین بهره‌برداری صورت گرفته و علاوه بر آن از تئوری‌های متعارف در بین جامعه‌شناسی شهری، انحرافات اجتماعی و مهاجرت نیز به عنوان نظریه‌های مکمل استفاده شده است.

در این بررسی سه وضعیت از کنش‌های انطباق‌گرایانه شامل:

- شیوه و نوع انطباق اجتماعی؛

- میزان و شدت انطباق اجتماعی؛

- چگونگی انطباق اجتماعی.

یا حالت‌های فردی خانوادگی و دیگر شرایط مقایسه می‌گردد که بیشترین میزان انطباق

اجتماعی قاعداً در حالت انطباق

منفی و کمترین شدت آن در حالت انطباق باید مثبت باشد.

جدول سنخ‌شناسی انطباق اجتماعی

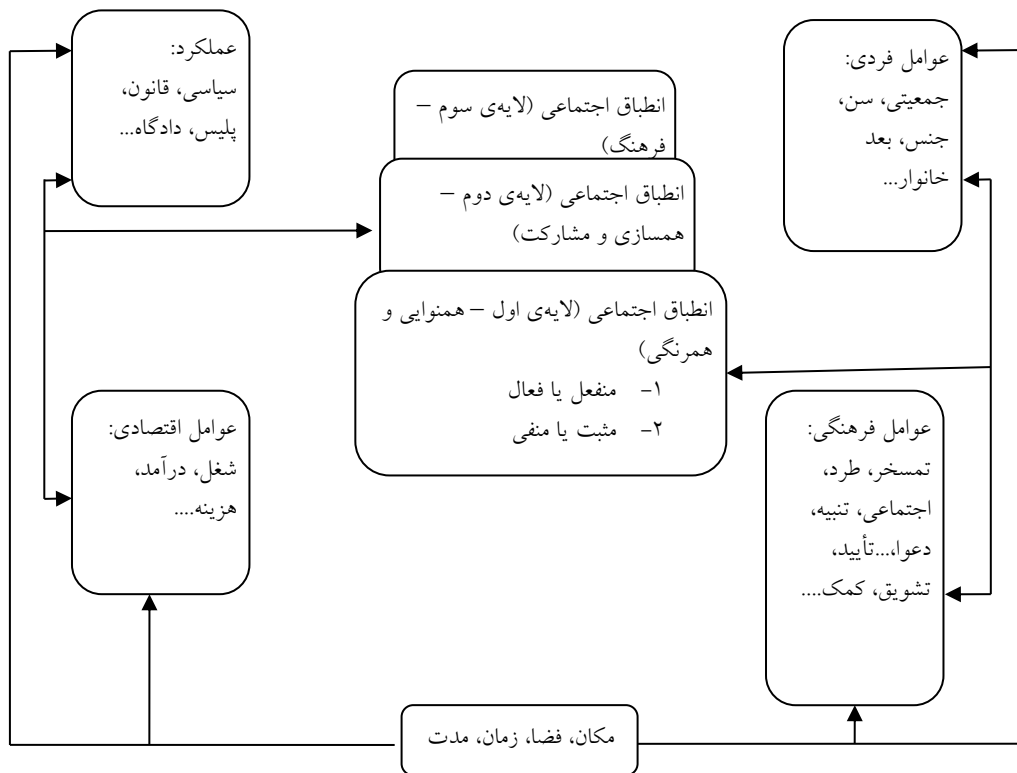
سنخ‌شناسی انطباق اجتماعی	انطباق اجتماعی مثبت	انطباق اجتماعی منفی
--------------------------	---------------------	---------------------

<p>خاص‌گرایی قوم و گروه‌گرایی ناشهروندی مناسک‌پرستی آنومی فردگرایی پرخاشگری سازگاری عرفی قانون‌گریزی شورش اعتراض بهره‌گیری از روابط سنتی در جوامع مدرن ریا و فریب تظاهر و تعارف رفتار ضد شهری رقابت ناسالم غارت و زورگیری رفتار روستایی بزه، انحراف و جرم بیان رمزگونه استعاره، کنایه وندالیسم-اوباش‌گری، تخریب شخصیت دیگران (برچسب زنی)</p>	<p>همنوایی قانونگرایی نوآوری (اختراع) سازگاری اجتماعی ایمان و زهد عام‌گرایی همکاری وفاق رقابت سالم آشتی رفتار شهری مهاجرت مشارکت و مسؤولیت‌پذیری</p>	<p>انطباق اجتماعی فعال</p>
<p>انزوا و عده‌دهی خیانت تقدیرگرایی تبانی چاپلوسی (مدح و ثنا) زیرپاکشی بی‌تعلقی و مسؤولیت‌گریزی بی‌هویتی توسل به فال و استخاره، سحر و جادو افسردگی درون پریش فرصت‌طلبی صورت‌گرایی در زندگی یاس و ناامیدی خرافات دروغ فاصله‌ی ظاهر و باطن پنهان‌کاری و اختفاء نیات کنشگر عدم تحمل دیگری (انتقاد) فرار از منزل/مغزها / سرمایه‌ها سکوت فاصله گفتار و عمل</p>	<p>هم‌رنگی (متابعت) مدارا تساهل و تسامح اغماض عزت‌طلبی تقیه همزیستی همانندگردی تعصب کوچ‌حاشیه‌نشینی آرمان‌گرایی (تخیل)</p>	<p>انطباق اجتماعی منفعل</p>

با توجه به وسعت معنایی مسأله، از انگاره‌ها و مفاهیم جامعه‌شناسی کلاسیک و نوین بیشترین بهره‌برداری صورت گرفته و علاوه بر این از تئوری‌های متعارف دیگر حوزه‌ها درباره‌ی آسیب‌های اجتماعی، مهاجرت، حاشیه‌نشینی و روان‌شناسی اجتماعی، به عنوان نظریات مکمل استفاده گردیده است. هریک از دیدگاه‌ها به گونه‌ای خاص به موضوع نگاه می‌کنند؛ متفکران ساخت‌گرا، شرایط بقا و استمرار سیستم‌ها و نظام‌های اجتماعی و شخصیت

کشگران را در مفهوم انطباق اجتماعی مستتر می‌دانند. از سوی دیگر نظریه‌پردازان مکتب تضاد، دیدگاه متفاوتی را در این زمینه مورد تأیید قرار می‌دهند و بر این باور هستند که انطباق اجتماعی و توجیه آن در خدمت صاحبان نظام قدرت و محصول روابط نابرابر در سطوح مختلف است و در واقع راهکاری است که اصحاب قدرت با طرح ناگزیری انطباق اجتماعی، مؤید ساختارهای اجتماعی موجود و ضرورت انطباق اجتماعی، دیدگاه‌های ساختی - کارکردی، تضاد و روان‌شناسی اجتماعی است که هر یک از منظری ویژه به مسأله انطباق اجتماعی پرداخته‌اند که در زیر به پاره‌ای از برجسته‌ترین نظریات و رویکرد مفهومی و گزاره‌های منطقی آنان درباره‌ی مسأله‌ی مذکور پرداخته می‌شود.

نمودار الگوی نظری تحقیق



مبانی روش‌شناسی

با توجه به اصول و مبانی روش‌شناسی، روش‌های مورد استفاده در این تحقیق روش‌های

اسنادی، پیمایشی و مطالعات میدانی است. در روش پیمایشی از داده‌های توصیفی معمولاً از طریق ابزار پرسش‌نامه، مصاحبه با آزمودنی‌ها و مشاهده‌ی رویدادها جمع‌آوری می‌گردند.

مطالعات توصیفی از گستردگی زیادی برخوردار می‌باشند. برای هر سازه‌ی تحقیق می‌توان از انواع پرسش‌نامه‌ها استفاده کرد. در ساده‌ترین شکل پیمایش، تنها با طرح پرسش‌نامه‌هایی درباره‌ی وضعیت موجود، گزارش‌هایی تهیه کرده و به ارائه‌ی بیان روشنی درباره‌ی رابطه بین متغیرها با توجه به فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. در تحقیقات جامعه‌شناسی، پیمایش می‌تواند در قلمرو وسیع و محدود انجام گیرد. داده‌های پیمایشی را می‌توان از تک تک اعضای جامعه (پیمایش سرشماری) یا از یک نمونه‌ی دقیق (پیمایش نمونه‌ای) جمع‌آوری کرد.

در روش پیمایشی داده‌ها ممکن است در رابطه با متغیرهایی باشند، که مربوط به موضوعات تحقیقی آزمایشی یا شبه آزمایشی باشند. در واقع پیمایش می‌تواند هم توصیفی و هم تبیینی و یا به هر دو صورت باشد (دواس، ۱۳۸۱: ص ۷۵).

این تحقیق با عنایت به اهدافش یک تحقیق توصیفی و اکتشافی است. هر موضوع و سازه‌ی تحقیق مستلزم بهره‌گیری از روش تحقیق خاصی است. موضوعات تحقیق با توجه به گستره و سطح مطالعاتی، از ادبیات نظری و تجربی و همچنین از انواع داده‌ها و اطلاعات میدانی یا اسنادی برای پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی تحقیق و فرضیات، بهره‌گیری می‌کند. از طرف دیگر هر یک از روش‌های تحقیق از تکنیک‌ها و ابزارهای خاصی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کنند و برای هر موضوعی باید به روش تحقیق خاصی رجوع نمود. این مطالعه از نوع پیمایشی ساده‌ی توصیفی است، که در آن از تحلیل‌های استنباطی هم استفاده شده است.

در این تحقیق با توجه به سازه‌ی اصلی، تعاریف، اهداف و سؤالات تحقیق لازم بود از روش‌های اسنادی^۱ و پیمایش به صورت هم زمان برای جمع‌آوری اطلاعات بهره‌گیری شود. ابزار گردآوری اطلاعات در روش اسنادی فیش‌برداری است و در روش پیمایش

1- Documental research

نیز با توجه پیچیدگی موضوع بررسی داده‌ها با ابزارهای مختلفی همچون پرسشنامه‌ی حضوری، مصاحبه‌ی منظم و مشاهده ساخت یافته گردآوری شده که هر یک از منظری ویژه به تبیین نظری مسأله‌ی تحقیق در سطح کلان، میانه و خرد پرداخته‌اند.

جامعه‌ی آماری و نمونه

به دلیل مهاجرپذیری و تنوع گروه‌های قومی در اطراف بزرگ‌ترین پایانه‌ی تهران (خزانه) از بین کل محلات فقیرنشین در سطح شهر تهران، منطقه‌ی ۱۶ به عنوان منطقه‌ی نمونه برگزیده شده است.

برخی از آمارهای این منطقه نسبت به کل مناطق تهران چنین است:

- مساحت (کیلومتر مربع)	۱۶/۷۰	درصد ۲/۳
- جمعیت (تعداد)	۲۹۸۴۱۰	درصد ۴/۴۲
- خانوار (تعداد)	۷۱۲۶۹	درصد ۴/۲۹

در جامعه‌ی آماری از هر دو جنس استفاده شده، البته در درجه‌ی نخست از رؤسای خانوار و در غیاب آنها از همسر این افراد تحقیق و پرسش به عمل می‌آید. ضمن اینکه صرفاً از مهاجران ساکن مناطق پرسش به عمل می‌آید پس براین اساس واحد تحلیل و انتخاب جامعه‌ی آماری، خانوارهای ساکن در منطقه‌ی خزانه که بالغ بر ۷۱۲۶۹ خانوار می‌باشند، بوده و تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۸ نفر برآورد گردید. پایایی کل ابزار تحقیق براساس پیش‌آزمون اولیه از ۲۰ خانوار در حدود ۸۴ درصد، با محاسبه‌ی آزمون آلفای کرونباخ به دست آمد. با توجه به اینکه نتیجه از ۷۰ درصد بالاتر بوده ابزار تحقیقات از لحاظ برازش آماری معتبر است.

یافته‌های تحقیق

از آنجا که پاسخ‌گویان معمولاً افرادی بی‌سواد و کم‌سواد بوده‌اند، نوع تدوین سؤالات و سبک مضامین آنها بسیار ساده و در چندین نوبت مورد آزمایش و بررسی مقدماتی قرار گرفته است.

آنچه پس از این می‌آید نتایج حاصل از به کارگیری تعداد زیادی از پرسشنامه‌هاست که

اغلب از طریق مراجعه‌ی حضوری جمع‌آوری شده است.

جدول ۱: توزیع جمعیت نمونه برحسب مهم‌ترین علت مهاجرت به تهران

درصد فراوانی	فراوانی	علت مهاجرت
۴۰/۳	۱۰۴	نداشتن زمین، آب کشاورزی و دام در روستا، بیکاری
۵/۰	۱۳	حرف و نقل‌ها، درگیری‌های قومی و محلی، سنت‌های سختگیر و مانند آن
۱۹/۰	۴۶	ضعف و فقدان امکانات و تسهیلات زندگی در روستا (بهداشتی، خدماتی و...)
۱۳/۶	۳۵	تحصیلات، ازدواج و سربازی
۱۸/۶	۴۸	سایر
۳	۹	بی‌جواب
۱۰۰/۰	۲۵۸	جمع

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود داده‌های جدول بالا بیانگر آن است که بیشترین میزان را فراوانی با تعداد ۱۰۴ نفر با ۴۰/۳ درصد به افرادی تعلق داشته که مهم‌ترین علت مهاجرتشان نداشتن زمین، آب کشاورزی و دام در روستا و یا بیکاری بوده و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۱۳ نفر یا ۵/۰ درصد به افرادی تعلق داشته که مهم‌ترین علت مهاجرتشان حرف و نقل‌ها، درگیری‌های قومی و محلی، سنت‌های سختگیر و مانند آن بوده است.

جدول ۲: توزیع جمعیت نمونه برحسب مهم‌ترین علت اقامت در محل سکونت

درصد فراوانی	فراوانی	علت اقامت در محل
۳۲/۲	۸۳	اشتغال در محل یا نزدیکی فاصله به محل اشتغال
۲۴/۰	۶۲	وجود اقوام و آشنایان در محل
۱۲/۴	۳۲	سایر موارد
۱/۲	۳	بی‌جواب
۱۰۰/۰	۲۵۸	جمع

با توجه به داده‌های جدول بالا مشاهده می‌شود که بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۸۳ نفر یا ۳۲/۲ درصد به گزینه‌ی اشتغال در محل یا نزدیکی فاصله به محل اشتغال اختصاص یافته و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۳۲ نفر یا ۱۲/۴ درصد به دیگر موارد تعلق داشته است.

جدول ۳: توزیع جمعیت نمونه بر حسب مهمترین مشکل یا علت نارضایتی از سکونت

درصد فراوانی	فراوانی	علت نارضایتی
۲۲/۹	۵۹	کوچکی فضای خانه و کمبود اتاق
۱۴/۰	۳۶	شلوغی محل، بازی و سر و صدای بچه
۷/۰	۱۸	نظافت و بهداشت پایین
۷/۰	۱۸	دعوا و درگیری در محل و بداخلاقی همسایه‌ها
۳۴/۵	۸۹	مشکلی ندارم
۵/۴	۱۴	سایر
۰/۸	۲	بی جواب
۱۰۰/۰	۲۵۸	جمع

آمار داده‌های جدول بالا بیان می‌دارد که بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۸۹ نفر یا ۳۴/۵ درصد شامل کسانی بوده است که در پاسخ به مهم‌ترین مشکل یا علت نارضایتی از محل سکونتشان گزینه‌ی «مشکلی ندارم» را انتخاب کرده‌اند و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۱۴ نفر یا ۵/۴ درصد شامل کسانی بوده است که به «سایر موارد» اشاره کرده‌اند.

جدول ۴: توزیع جمعیت نمونه بر حسب تردد افراد با صفات گوناگون در محل

درصد فراوانی	فراوانی	تردد
۴/۸۹	۲۱	درویش و گوشه‌گیر
۶/۵۲	۲۸	قمارباز
۵/۵۹	۲۴	شراب‌خوار
۲۷/۵۰	۱۱۸	معتاد
۱۱/۴۲	۴۹	سارق
۴/۱۹	۱۸	بیمار روانی
۱۲/۱۲	۵۲	متکدی
۱۰/۴۸	۴۵	فساد اخلاقی
۷/۹۲	۳۴	زندانی شده
۹/۳۲	۴۰	سایر موارد

تردد	فراوانی	درصد فراوانی
جمع	۴۲۹	۱۰۰/۰

در پاسخ به این سؤال بیشترین میزان فراوانی مربوط به گزینه‌ی معتاد با فراوانی ۱۱۸ و یا ۲۷/۵۰ درصد و کمترین میزان فراوانی مربوط به گزینه‌ی بیمار روانی با فراوانی ۱۸ و یا ۴/۱۹ درصد است. خاطر نشان می‌شود دلیل اینکه جمع کل فراوانی‌ها نسبت به سایر جداول از ۲۵۸ بزرگتر است، انتخاب چند گزینه از سوی پاسخگویان در برخی سؤالات بوده است.

جدول ۵: توزیع جمعیت نمونه بر حسب میزان انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر مهاجر در شهر

تهران در لایه‌ی اول- همنوایی (ENN1)

میزان همنوایی	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۹۰	۳۴/۹
متوسط	۱۲۶	۴۸/۸
زیاد	۴۲	۱۶/۳
جمع	۲۵۸	۱۰۰/۰

بر اساس داده‌های جدول، بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۲۶ نفر یا ۴۸/۸ درصد شامل کسانی بوده است که در لایه‌ی اول - میزان همنوایی با گرایش متوسط و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۴۲ نفر یا ۱۶/۳ درصد اختصاص به کسانی داشته که دارای همنوایی با گرایش زیاد بوده‌اند.

جدول ۶: توزیع جمعیت نمونه بر حسب میزان انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر مهاجر در شهر

تهران در لایه‌ی دوم - همسازی و مشارکت (ENN2)

میزان همسازی و مشارکت (ENN2)	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۹۰	۳۴/۹
متوسط	۱۱۹	۴۶/۱

زیاد	۴۹	۱۹
جمع	۲۵۸	۱۰۰

با توجه به داده‌های جدول بالا بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۱۹ نفر یا ۴۶/۱ درصد شامل کسانی بوده است که در لایه‌ی دوم - همسازی و مشارکت با گرایش تا حدودی و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۴۹ نفر یا ۱۹ درصد اختصاص به کسانی داشته که در لایه‌ی دوم - همسازی و مشارکت با گرایش زیاد بوده‌اند.

جدول ۷: توزیع جمعیت برحسب میزان انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر مهاجر در شهر تهران در لایه‌ی سوم - فرهنگ پذیری (ENN3)

فرهنگ پذیری ذهنی (ENN3)	فراوانی	درصد فراوانی
کم	۵۰	۱۹/۴
متوسط	۷۳	۲۸/۳
زیاد	۱۳۵	۵۲/۳
جمع	۲۵۸	۱۰۰

طبق داده‌های جدول، بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۳۵ نفر یا ۵۲/۳ درصد شامل کسانی بوده است که میان فرهنگ‌پذیری ذهنی با گرایش زیاد و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۵۰ نفر یا ۱۹/۴ درصد شامل کسانی بوده که فرهنگ‌پذیری با گرایش کم بوده‌اند.

جدول ۸: توزیع جمعیت نمونه بر حسب مواردی که در تهران هست ولی در ولایت مهاجر نبوده

مواردی که در تهران هست ولی در ولایت مهاجر وجود ندارد	فراوانی	درصد فراوانی
آزادی	۵۳	۸/۵۸
ناشناسی	۴۶	۷/۴۵
پول و ثروت	۶۷	۱۰/۸۵

۱/۴۵	۹	محبت و عاطفه
۱/۱۳	۷	اعتقادات دینی
۰/۶۴	۴	مردانگی و لوطی‌گری
۸/۴۲	۵۲	زندگی مجهز
۸/۷۵	۵۴	رفاه و آسایش
۸/۴۲	۵۲	تجمل
۳/۸۸	۲۴	خوراک و تغذیه
۲/۴۳	۱۵	امنیت
۲/۴۳	۱۵	کار و شغل
۸/۷۵	۵۴	خودخواهی
۱۱/۹۹	۷۴	ریا و دوز و کلک
۰/۹۷	۶	صداقت و دوستی
۳/۵۶	۲۲	گرسنگی
۳/۵۶	۲۲	وقت شناسی
۰/۱۹	۲۰	بی‌جواب
۱۰۰	۶۱۷	جمع

مطابق آنچه داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد، بیشترین میزان فراوانی مربوط به گزینه دوز و کلک است با فراوانی ۷۴ و یا ۱۱/۹۹ درصد و کمترین میزان مربوط به گزینه‌ی مردانگی و لوطی‌گری با فراوانی ۴ و یا ۰/۶۴ درصد است.

نتیجه‌گیری

مطابق داده‌های جدول توصیفی مشاهده می‌شود که بیشترین میزان جمعیت نمونه به کسانی اختصاص داشته است که جنسیت آنها مرد بوده و در طبقه‌ی سنی کمتر از ۳۵ سال قرار داشته و دارای شغل آزاد بوده‌اند و درآمدی کمتر از ۱۵۰ هزار تومان دارند. میزان تحصیلات متوسطه و دیپلم بیشترین میزان فراوانی را دارد؛ با ذکر این مطلب که

اکثراً متأهل و دارای یک یا دو فرزند هستند، مالکیت منزل خود را هم ندارند و مبدأ مهاجرتشان شهری غیر از مرکز استان است و البته مدت اقامتشان در تهران و محل مسکونی فعلی‌شان کمتر از ۱۵ سال است.

همچنین پاسخ‌گویان مهم‌ترین علت مهاجرت را نداشتن زمین، آب کشاورزی و دام در روستا و بیکاری عنوان کرده‌اند، مساحت زیربنای واحد مسکونی‌شان کمتر از ۷ متر مربع و علت اقامت در محل سکونت فعلی‌شان اشتغال در محل یا نزدیکی فاصله به محل اشتغال است.

در پاسخ به مهم‌ترین مشکل یا نارضایتی از محل زندگی فعلی‌شان، گزینه «مشکلی نداریم» را عنوان نموده‌اند. بیشترین مورد تردد افراد با خصوصیات گوناگون در محله‌شان را افراد معتاد ذکر کرده‌اند.

درباره‌ی میزان انطباق اجتماعی مهاجران عشایر و روستایی با الگوهای رفتاری و اعتقادی تهرانی‌ها، گرایش پاسخ‌گویان به یازده محور یعنی نحوه‌ی معاشرت کردن با اقوام، نحوه‌ی لباس پوشیدن، نحوه‌ی تفریح کردن، نحوه‌ی حرف زدن، سلیقه‌ی خوراک و تغذیه، جشن و عروسی، نحوه‌ی پول خرج کردن، نحوه‌ی عزاداری، وسایل زندگی، نحوه‌ی کارکردن و نحوه‌ی محبت کردن به والدین و بستگان نزدیک از طریق طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجیده شد. به طور کلی یافته‌ها حاکی از آن است که بیشترین میزان انطباق به ترتیب اولویت عبارتند از: نحوه‌ی تفریح کردن، نحوه‌ی حرف زدن، خوارک و پوشاک، عزاداری کردن، وسایل زندگی و نحوه‌ی کارکردنشان و در آخرین گرایش نیز نحوه‌ی معاشرت با اقوام و محبت به والدین و بستگان نزدیک شده است. در مجموع حاصل کل گرایش‌ها در همه‌ی سؤالات که به عنوان همه لایه‌ی اول انطباق، یعنی هم‌نواپی (ENNI) آورده شده، در گرایش متوسط بوده است.

مطابق هم‌نواپی فوق‌الذکر اکثر پاسخ‌گویان مایلند که رفتاری مانند: نحوه‌ی تفریح کردن، نحوه‌ی حرف زدن، خوارک و پوشاک، عزاداری کردن، وسایل زندگی و کارکردن تهرانی‌ها را انجام دهند، اما وقتی از آنها سؤال شد که در صورت رفتن به ولایتان کدام

یک از این رفتار تهرانی‌ها را می‌توانید انجام دهید تقریباً همه‌ی گزینه‌ها در حد کم و بسیار کم پاسخ داده و معلوم شد که این مهاجران برای انجام دادن این علایق خود در ولایتشان دچار مشکل کمتری همراه بوده‌اند مانند تفریح کردن، خوراک، وسایل زندگی و نحوه‌ی کارکردن. به طور کلی بیشترین میزان انطباق، یعنی همسازی و مشارکت (ENN2) در گرایش متوسط بوده است.

به علاوه میزان انطباق اجتماعی مهاجران عشایر و روستایی با الگوهای رفتاری و اعتقادی تهرانی‌ها در عمیق‌ترین سطح، یعنی فرهنگ‌پذیری در دو قسمت مورد توجه قرار گرفته است. یکی انطباق عمیق ذهنی و دیگری انطباق عمیق عینی.

به طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین میزان انطباق در لایه‌ی سوم، یعنی فرهنگ‌پذیری ذهنی (ENN3) در گرایش زیاد بوده است که از طریق هفت سؤال گرایشی با روش لیکرت سنجیده شده است مانند: «اگر آدم از گرسنگی بمیرد یک نفر لگد مفت هم به ما نمی‌زند»، «پلیس کوچک‌ترین بهانه‌ای دستش بیفته، آدمو دستگیر می‌کنه و گیر می‌ده»، «پول توی دلالی و مایه‌کاریه»، «هر کس دروغ بگه، کارش جلوتره» و... بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به لحاظ ذهنی، ترس از پلیس و دادگاه و در مراتب بعدی بی‌اعتمادی به دیگران و در پایان پول پرستی و دروغ‌گویی بیشترین گرایش را در بین افراد ایجاد کرده است. به هر حال نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ‌پذیری در این لایه به صورت کاملاً ناقص در سطح نازلی انجام می‌شود. داده‌های مربوط به فرهنگ‌پذیری عینی و رفتاری نیز این موضوع را به اثبات می‌رساند. به طور کلی بیشترین میزان انطباق در مجموع کل گرایشات این سؤال یا همان لایه‌ی سوم انطباق، یعنی فرهنگ‌پذیری ذهنی (ENN3) در گرایش متوسط بوده است.

یافته‌های دو گرایش فرهنگ‌پذیری عینی و ذهنی در مجموع نشانگر آن است که مهاجران روستایی و عشایری در شهر تهران ابتدا به صورت ذهنی و سپس به صورت عینی و رفتاری دچار تغییر می‌شوند.

دستاوردهای عملی و نظری تحقیق

مهم‌ترین دستاوردهای نظری و تجربی تحقیق، عبارتند از:

۱. مفهوم انطباق اجتماعی در نظام‌های نوین «مرکزگرا» بوده و همیشه براساس رویکرد و انتظارات این نظام‌ها، کنش‌ها و رفتار شهروندان مهاجر مورد قضاوت و ارزیابی قرار می‌گیرد و حتی آنان را مسبب بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی تصور می‌نماید، در صورتی که مسائل گروه‌های بالا بیشتر معلول شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است تا میل و اراده‌ی کنشگران.
۲. هر نظام اجتماعی، الگوهای کنشی و ارتباطی خاص خود را تولید می‌کند و در صورتی کنشگران یکباره در معرض تغییرات درونی - بیرونی قرار می‌گیرند و چرخه‌ی اجتماعی لازم را برای ورود (فرهنگ‌پذیری، جامعه‌پذیری) به زندگی شهری سپری نکرده باشند، انطباق اجتماعی نابهنجار شکل می‌گیرد.
۳. انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر با زندگی شهری بیشتر در سطح همنوایی، هم‌رنگی و فرهنگ‌پذیری ذهنی است تا سطوح بالاتر انطباق اجتماعی (همسازی، مشارکت و فرهنگ‌پذیری عینی) و همین مسأله خاص‌گرایی گروه مهاجران، کارآمدی شیوه‌های فرعی ما قبل زندگی شهری، عادت‌ی شدن بی‌نظمی و عیان نشدن آنومی در جامعه و از این قبیل را دامن می‌زند.
۴. تمایل به انطباق اجتماعی، در طبقات، گروه‌های اجتماعی، خرده فرهنگ‌ها، شهرها و روستاهایی که در موقعیت حاشیه قرار گرفته‌اند، کمتر است.
۵. نیاز مطالعه‌ی انطباق اجتماعی در مقایسه با سایر مفاهیم متعارف جامعه‌شناختی (سازگاری، وفاق، همنوایی، نوآوری، آسیب‌های اجتماعی، همبستگی اجتماعی، آنومی و... که شامل مسایل روزمره و فوری جامعه می‌شود) کلان‌تر و اساسی‌تر است؛ زیرا ریشه‌ی بسیاری از مفاهیم فوق در ارتباط با مفهوم انطباق اجتماعی معنا می‌یابد.
۶. در جوامعی که به دلیل شرایط تاریخی نظام پدرسالار (متمرکز) بر آن سیطره دارد، انطباق اجتماعی تابع نظام قدرت و زور است و زمانی که نظارت اجتماعی به هر شکل تضعیف شود، گونه‌های مختلف انطباق اجتماعی نابهنجار در جامعه نمود پیدا می‌کند.
۷. میزان انطباق اجتماعی با زندگی شهری در سه سطح همنوایی، همسازی و

فرهنگ‌پذیری در ارتباط تنگاتنگ و پیوسته با عامل فردی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و محیطی است که با بهره‌گیری از نظریات مختلف و اتخاذ رویکرد سیستمی می‌توان به درک درستی از واقعیت اجتماعی انطباق مهاجران با زندگی شهری دست یافت.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۶۴). *مراحل اساسی رشد اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، جلد اول، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- آزاد ارمکی، نقی. (۱۳۸۱). *نظریه‌ی جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سروش.
- آگبرن و نیمکف. (۱۳۵۳). *زمینه‌ی جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی امیرحسین آریان پور، تهران: انتشارات دهخدا.
- ابوالحسن تنهایی، حسین. (۱۳۷۱). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات مرنديز.
- ادیبی، حسین. (۱۳۵۸). *نظریه‌ی جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات جامعه.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۳). *نامه‌ی علوم اجتماعی*، «مقاله اعتبار تجربی و نظریه‌ی دیدگاه نوسازی با تأکید بر جامعه‌ی قبیله‌ای و دهقانی شادگان»، شماره‌ی ۷، دانشگاه تهران.
- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۲). *تفکر نظری جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی علی محمد حاضری و دیگران. چاپ اول، تهران: انتشارات سفیر.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- اورعی، صدیق. (بی‌تا). *تعارض‌های فرهنگی و وفاق اجتماعی در ایران*، مشهد.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۷). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- پارسونز، تالکوت. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی پارسونز*، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان.
- پیران پرویز. (۱۳۶۶). *آلونک‌نشینی در تهران*، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سوم، شماره‌ی ششم.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۶۹). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- جانسون، چالمرز. (۱۳۶۳). *تحول انقلابی*، ترجمه‌ی حمیدالیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*، «تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی»، تهران:

- انتشارات نی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۴۳). قواعدروش جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی علی محمد کاردان، تهران، مؤسسه مطالعات، تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
 - رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۸۰). بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی، توانبخشی.
 - رشه، گی. (۱۳۶۷). کنش اجتماعی، دکتر زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.
 - _____ (۱۳۶۶). تغییرات اجتماعی، ترجمه‌ی دکتر منصور وثوقی، تهران: انتشارات نی.
 - رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: انتشارات سروش.
 - روح الامینی، محمود. (۱۳۷۵). نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران: آگاه.
 - ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
 - زاهدانی، سیدسعید. (۱۳۶۹). حاشیه‌نشینی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
 - سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۸۳). مبانی جامعه‌شناسی «اصول و مسایل اجتماعی»، تهران: انتشارات مرنديز.
 - _____ (۱۳۷۳). بررسی جامع مسائل اجتماعی شهر تهران، «کتاب اول مباحث نظری و روش‌شناسی»، تهران، پژوهشکده میزان.
 - _____ (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌پژوهان سینا.
 - شکویی، حسین. (۱۳۵۴). حاشیه‌نشینان شهر تبریز، مرکز مطالعات محیط زیست دانشگاه تبریز.
 - کاتوزیان، مصطفی. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی تاریخی ایران، «حکومت خودکامه»، تهران: انتشارات مرکز.
 - گرب، ادوارد ج. (۱۳۷۳). نابرابری اجتماعی، «دیدگاه نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر»، مترجمان محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاده، تهران: نشر معاصر.
 - گلدنر، الوین. (۱۳۶۸). بحران جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی فریده ممتاز، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - محسنی، منوچهر. (۱۳۷۵). بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- معیدفر، سعید. (۱۳۸۳). تمایز جنسی روستاییان در کار، فراغت، فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی، فصلنامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی سال پنجم، شماره ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ورسلی، پیتر. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه‌ی حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
- Bently. G. C. (1981) Ethnicity and nationality; Atians, Bibliographic Guide, seattle, W.A; university of Washing on press.
- David, G.V, (1981) Psychological adaptation and disfunction Among refugees, International migration Review, 15, 255, 275.
- Giddens, Anthony, (1990) sociology a brief but critical interoduction London, macmillan.
- Hamilton, peter, (1983), key sociogists series editor, talcott parsons, London, Routledge.
- Hutnik, nimmi, (1986) patterns of ethnic minority identification & modes o social adaptation, Etnic& Racial studies volume 9 number 2. april. delhi University.
- Kim, y, (1988), Communication and cross-cultural adaptation, philadelphia; multilingual matters, (P9).
- Montgomery, R, (1996) The Component of Refugee adaptation, International migration Review, vol; 12, No; 3.
- Ritzer, George, (1988), sociological theory, new York, Alfred A. Knopf.
- Sadarosadut, seyed Javad. (1995) Ppsych-social and cultural Adjustment Among International student, (thesis), Australia, Wollongong university.
- Smelser. Neill. Parsons. Talcott, (1984) Economy and society, London, routledge kegan paul.